



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

عربی

پایه دهم

نظام جدید

درسنامه جامع و کاربردی
مشاوره درسی
۷۷۵ تمرین تشریحی و تستی
۱۰ آزمون امتحانی
پاسخ تشریحی
مطابقت کامل با کتاب درسی

مؤلفین:

گروه عربی فرا:

سهیلا خاکسباز

امینه کارآمد

جلال‌الدین افضل

الدرس الأول (ذلك هو الله)



«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»

ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدیدآورد.

« ذاك هو الله »

اول تو بگو:

واژه‌ها را با پیشانی: ذاك = ذلك؛ ذا = هذا

در عربی فعل مستقلی برای «است» وجود ندارد و نوعی از جمله این مفهوم را در خود دارد که به آن جمله اسمیه گفته می‌شود. (در درس ۵ با انواع جمله در عربی آشنا خواهید شد.)

این هم ترجمه ما: آن همان خداست.

« أَنْظُرُ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ »

اول تو بگو:

واژه‌ها را با پیشانی: أَنْظُرُ = نگاه کن؛ أَنْظُرُ لِي: نگاه کن به.

{فعل امر برای دوم شخص مفرد مذکر؛ ماضی: نَظَرَ، مضارع: يَنْظُرُ} (حرف «لِ» در این‌ها «به» معنی می‌شود. در فارسی نمی‌گوییم «برای» چیزی نگاه کردن، می‌گوییم «به» چیزی نگاه کردن)
ذات = دارای؛ با ذات به معنی اصل و گوهر یک چیز اشتباه نگیرید.
العُصُون = أغصان: شاخه‌ها؛ مفرد: العُصْن
النَّضْرَةَ = تروازه

این هم ترجمه ما: نگاه کن. به آن درخت که دارای شاخه‌های تر و تازه است.

« كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً »

اول تو بگو:

واژه‌ها را با پیشانی: نَمَتْ: رشد کرد. {سوم شخص مفرد مؤنث؛ ماضی: نَمَتْ، مضارع: يَنْمُو}
صَارَتْ: شد، تبدیل شد به. {سوم شخص مفرد مؤنث؛ ماضی: صَارَتْ، مضارع: يَصِيرُ}

این هم ترجمه ما: چگونه از دانه‌ای رشد کرد / و چگونه یک درخت شد. (با و چگونه تبدیل شد به یک درخت)

« فابحثْ وقلْ من ذا الذي يُخرجُ منها الثَّمَرَةَ »

اول تو بگو:

واژه‌ها را با پیشانی: ابْحَثْ: جست‌وجو کن. {فعل امر برای دوم شخص مفرد مذکر؛ ماضی: بَحَثَّ، مضارع: يَبْحَثُ}؛

فابْحَثْ = فَ + ابْحَثْ: پس جست‌وجو کن

ذا = هذا ≠ ذاك = ذلك؛ من ذا؟: این کیست؟

يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد، خارج می‌کند، در می‌آورد {ماضی: أَخْرَجَ}

این هم ترجمه ما: پس جست‌وجو کن و بگو این کیست که / از آن میوه بیرون می‌آورد؟

« وانظُرْ إلى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً »

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: جَذَوْتُ = شَرَّة: اخگر، پاره‌ی آتش؛ جَذَوْتُهَا: اخگر آن
مُسْتَعْرَةً: فروزان

جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً: اخگر آن فروزان است. (جمله اسمیه)

این هم ترجمه ما: و نگاه کن به سوی خورشید که / اخگر آن فروزان است.

« فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ »

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: ضِيَاءٌ: روشنایی، نور

فِيهَا ضِيَاءٌ: در آن روشنایی‌ای وجود دارد. (جمله اسمیه)

این هم ترجمه ما: در آن روشنایی‌ای هست و با آن (با به وسیله آن) گرمایی پراکنده است

« مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَّةِ »

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: أَوْجَدَ: پدید آورد، ایجاد کرد {مضارع: يوجِدُ}؛ أَوْجَدَهَا: آن را پدید آورد
شَرَّة = جَذَوْتُ؛ اخگر، پاره‌ی آتش

این هم ترجمه ما: این کیست که آن را پدید آورد / در آسمان (یا هوا) همچون اخگر.

« ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رِيزَانَةٌ »

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: أَنْعَمَ: نعمت‌ها؛ مفرد: نِعْمَةٌ؛ أَنْعَمَهُ: نعمت‌هایش

مِنْهُمْ رِيزَانَةٌ: ریزان

أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رِيزَانَةٌ: نعمت‌هایش ریزان است. (جمله اسمیه)

این هم ترجمه ما: او همان خداوند است که / نعمت‌هایش ریزان است

« ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْهِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٌ »

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: ذُو: دارای، صاحب (با «ذا» به معنی «این» اشتباه نگیرد).

بِالْغَيْهِ: کامل

این بیت جمله‌ی کاملی نیست و ادامه‌ی بیت قبل است. یعنی معنی این بیت با توجه به بیت قبل این

است: [او همان خداوند است که] دارای دانشی کامل / و نیرویی توانمند [است].

این هم ترجمه ما: دارای دانشی کامل / و نیرویی توانمند

« أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ »

اول تو بگو:

این هم ترجمه ما: به شب بنگر، پس چه کسی / در آن ماهش را پدید آورد.

﴿ وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ / كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ ﴾

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: زَانٌ: زینت داد، تزیین کرد {مضارع: يَزِينُ}. زَانَهُ: آن را زینت داد.
أَنْجُمٌ: ستارگان؛ مفرد: نَجْمٌ
دُرٌّ: مرواریدها؛ مفرد: دَرٌّ
كَدْ مانند، همچون؛ كَالدُّرِّ: مانند مرواریدها

این هم ترجمه ما: و آن را زینت داد با ستارگانی / همچون مرواریدهای پراکنده.

﴿ وَاَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ ﴾

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: غَيْمٌ = سَحَابٌ: ابر
أَنْزَلَ: نازل کرد {مضارع: يُنْزِلُ}

این هم ترجمه ما: و به ابر بنگر، پس چه کسی / بارانش را از آن نازل کرد.

﴿ فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْتِرَارِ خَضْرَاهُ ﴾

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: صَيَّرَ: گردانید، تبدیل کرد، دگرگون کرد. {مضارع: يُصَيِّرُ}
إِغْتِرَارٌ: تیره‌نگی، غبارآلودگی
خَضْرَاهُ: سرسبز

این هم ترجمه ما: و با آن زمین را، پس از تیرگی و غبارآلودگی، سرسبز کرد.

﴿ وَ انْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ / مَنْ شَقَّى فِيهِ بَصَرَهُ ﴾

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: الْمَرْءُ: مرد. (البته منظور در این‌جا مرد و زن نیست بلکه انسان است).
شَقَّى: شکافت. {مضارع: يَشُقُّ}

این هم ترجمه ما: و به مرد (یعنی انسان) بنگر و بگو / چه کسی چشمش را در او شکافت (یا پشمانش را کشور).

﴿ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ ﴾

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناس: جَهَّزَهُ: تجهیز کرد. {مضارع: يُجَهِّزُ}; جَهَّزَهُ: او را تجهیز کرد
مُفْتَكِرِهِ: اندیشمند، فکرکننده

این هم ترجمه ما: چه کسی او را تجهیز کرد / با نیرویی اندیشمند.

واژگان مکالمه و تمرین‌ها

(همه لغت‌های مهم و لازم تمرین‌ها را در اینجا آورده‌ایم)

جای خالی	فَرَاغٌ	قرار بده	صَع	متأسفانه	مَعَ الْأَسْفِ	آشنایی	الْتَعَارُفُ
با کمک	مُسْتَعِينًا	کامل کن	كَمَّلْ	که سفر کنم	أَنْ أُسَافِرَ	سالن	قَاعَةٌ
		می‌چرخد	يَدُورُ	ترجمه کن	تَرْجِمْ	فرودگاه	الْمَطَارِ

قواعد درس ۱. مروری بر قواعد سال‌های پیش

۱. اسم‌ها از نظر جنس

- در عربی اسم‌ها یا مؤنث (زن یا بنس ماده) هستند یا مذکر (مرد یا بنس نر).
- معمولاً آخر اسم‌های مؤنث «ة» وجود دارد. مثل:
تَلْمِيذَةٌ = دانش‌آموز دختر.
تَلْمِيذٌ = دانش‌آموز پسر؛

۲. اسم‌ها از نظر تعداد

- در عربی اسم‌ها یا مفرد (یک پینز) هستند، یا مثنی (دو پینز)، یا جمع (بیشتر از دو پینز).
- اسم مفرد به یک چیز دلالت دارد:
تَلْمِيذٌ = یک دانش‌آموز پسر؛
تَلْمِيذَةٌ = یک دانش‌آموز دختر.
- اسم مثنی به دو چیز دلالت دارد.
- اسم مثنی از افزودن «ان» یا «کین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود:
تَلْمِيذَانِ، تَلْمِيذَتَيْنِ = دو دانش‌آموز دختر.
تَلْمِيذَانِ، تَلْمِيذَتَيْنِ = دو دانش‌آموز پسر؛
- جمع به بیش از دو چیز دلالت دارد.
- جمع دو نوع است: سالم و مکسر.
- در جمع سالم، شکل مفرد کلمه تغییر نمی‌کند و فقط «ون» یا «ین» برای مذکر و «ات» برای مؤنث به پایان آن افزوده می‌شود.
کاتب (نویسندهٔ مرد) ← جمع مذکر سالم ← کاتبون، کاتِبِینَ / کاتِبَةٌ (نویسندهٔ زن) ← جمع مؤنث سالم ← کاتِبَاتٌ
در جمع مکسر، شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند. جمع‌های مکسر قانون ندارند و باید آن‌ها را حفظ کرد. (در واژگان هر درس، تعدادی از جمع‌های مکسر در ستون توضیحات آمده است).
تَلْمِيذٌ ← جمع مکسر ← تَلْمِيذٌ

۳. اسم اشاره

اسم اشاره برای اشاره به دور یا نزدیک به کار می‌رود. اسم‌های اشاره و معنی آن در جدول زیر وجود دارد.

جدول شماره ۱. اسم‌های اشاره			
اشاره به دور		اشاره به نزدیک	
آن (مفرد مذکر)	ذَٰلِكَ (ذَٰلِكَ)	این (مفرد مذکر)	هَٰذَا (ذَا)
آن (مؤنث)	تِلْكَ	این (مؤنث)	هَٰذِهِ
آن‌ها (جمع، مؤنث و مذکر)	أُولَٰئِكَ	این‌ها، این دو (مذکر)	هَٰذَانِ، هَٰذَيْنِ
		این‌ها، این دو (مؤنث)	هَاتَانِ، هَاتَيْنِ
		این‌ها (جمع، مؤنث و مذکر)	هُؤُلَاءِ

ترتیب اشخاص در عربی به این صورت است و به هر کدام عددی نسبت داده می‌شود:

۱. مفرد مذکر غایب؛
۲. مثنی مذکر غایب؛
۳. جمع مذکر غایب؛
۴. مفرد مؤنث غایب؛
۵. مثنی مؤنث غایب؛
۶. جمع مؤنث غایب؛
۷. مفرد مذکر مخاطب؛
۸. مثنی مذکر مخاطب؛
۹. جمع مذکر مخاطب؛
۱۰. مفرد مؤنث مخاطب؛
۱۱. مثنی مؤنث مخاطب؛
۱۲. جمع مؤنث مخاطب؛
۱۳. متکلم وحده؛
۱۴. متکلم مع الغیر؛

۵. ضمیرها

ضمایر دو نوع هستند، جدا و پیوسته

تعداد ضمیرها در عربی بیشتر از فارسی است. در فارسی شش ضمیر جدا و شش ضمیر پیوسته وجود دارد ولی در عربی ۱۴ ضمیر جدا و ۱۴ ضمیر پیوسته؛ در جدول زیر ضمایر فارسی و عربی و مطابقت آن‌ها را می‌بینیم:

جدول شماره ۲. ضمیرها										
شخص	ضمیر جدا فارسی	اسم شخص به عربی	ضمیر جدا عربی	مثال	ترجمه	ضمیر پیوسته فارسی	ضمیر پیوسته عربی	مثال	ترجمه	
اول شخص مفرد	من	مُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ	أنا	أنا تلميذٌ.	من دانش‌آموز هستم.	ا،	ی	أنا تلميذٌ.	من دانش‌آموز هستم.	
				أنا تلميذةٌ.	ما دانش‌آموز هستیم.	ما،	نا	نحنُ تلميذاتٌ.	ما دانش‌آموز هستیم.	
اول شخص جمع	ما	متكلم مع الغير	نحنُ	نحنُ تلاميذٌ.	ما دانش‌آموز هستیم.	مان،	نا	نحنُ تلميذاتٌ.	ما دانش‌آموز هستیم.	
				نحنُ تلميذاتٌ.	تو دانش‌آموز هستی.	ات،	ک (مذکر)	أنتِ تلميذةٌ.	تو دانش‌آموز هستی.	
دوم شخص مفرد	تو	مفرد مذکر مخاطب مفرد مؤنث مخاطب	أنتَ (مذکر) أنتِ (مؤنث)	أنتِ تلميذةٌ.	تو دانش‌آموز هستی.	ات،	ک (مذکر)	أنتِ تلميذةٌ.	تو دانش‌آموز هستی.	
				أنتِ تلميذةٌ.	شما دانش‌آموز هستید.	تان،	ک (مؤنث)	أنتِ تلميذةٌ.	شما دانش‌آموز هستید.	
دوم شخص جمع	شما	مثنی مذکر مخاطب مثنی مؤنث مخاطب جمع مذکر مخاطب جمع مؤنث مخاطب	أنتما (مثنی مذکر و مؤنث) أنتم (جمع مذکر) أنتنَّ (جمع مؤنث)	أنتما تلميذان.	شما دانش‌آموز هستید.	تان،	کما (مثنی مذکر و مؤنث) کم (جمع مذکر) کنَّ (جمع مؤنث)	أنتما تلميذتان.	شما دانش‌آموز هستید.	
				أنتما تلميذتان.				أنتم (جمع مذکر)		أنتم تلاميذٌ.
				أنتنَّ (جمع مؤنث)				أنتنَّ تلميذاتٌ.		
سوم شخص مفرد	او	مفرد مذکر غایب مفرد مؤنث غایب	هُوَ (مذکر) هِيَ (مؤنث)	هو تلميذٌ.	او دانش‌آموز است.	اش،	ه	هو تلميذٌ.	او دانش‌آموز است.	
				هو تلميذٌ.	او دانش‌آموز است.	او	ها	هو تلميذٌ.	او دانش‌آموز است.	
سوم شخص جمع	ایشان، آن‌ها	مثنی مذکر غایب مثنی مؤنث غایب جمع مذکر غایب جمع مؤنث غایب	هما (مثنی مذکر و مؤنث) هم (جمع مذکر) هنَّ (جمع مؤنث)	هما تلميذان.	ایشان (آن‌ها) دانش‌آموز هستند.	شان،	هُما (مثنی مذکر و مؤنث) هُم (جمع مذکر) هُنَّ (جمع مؤنث)	هما تلميذتان.	ایشان (آن‌ها) دانش‌آموز هستند.	
				هما تلميذتان.				هُم (جمع مذکر)		هُم تلاميذٌ.
				هُنَّ (جمع مؤنث)				هُنَّ تلميذاتٌ.		

۶. افعال

شما در سال‌های گذشته با فعل ماضی، ماضی منفی، مضارع، مضارع منفی (نفي)، مستقبل، نهی، امر، و معادل ماضی استمراری آشنا شدید. برای یادآوری، در جدول زیر همه این افعال را می‌بینید.

جدول شماره ۳ . فعل‌ها و شخص‌ها

شخص	ماضی	ماضی منفی	مضارع	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	نهی	امر	ماضی استمراری	توضیح
اول شخص مفرد (متکلم وحده)	أنا كَتَبْتُ واجِبِي.	أنا ما كَتَبْتُ واجِبِي.	أنا أَكْتُبُ واجِبِي.	أنا لا أَكْتُبُ واجِبِي.	أنا سَأَكْتُبُ (سَوْفَ أَكْتُبُ) واجِبِي.	أنا لا أَكْتُبُ واجِبِي.	-	-	مؤنث و مذکر
	من تکلیفم را نوشتم.	من تکلیفم را ننوشتم.	من تکلیفم را می‌نویسم.	من تکلیفم را نمی‌نویسم.	من تکلیفم را خواهم نوشت.	من تکلیفم را ننویسم.	-	-	ترجمه
اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)	نحنُ كَتَبْنَا واجِبْنَا.	نحنُ ما كَتَبْنَا واجِبْنَا.	نحنُ نَكْتُبُ واجِبْنَا.	نحنُ لا نَكْتُبُ واجِبْنَا.	نحنُ سَنَكْتُبُ (سَوْفَ نَكْتُبُ) واجِبْنَا.	نحنُ لا نَكْتُبُ واجِبْنَا.	-	-	مؤنث و مذکر
	ما تکلیفمان را نوشتیم.	ما تکلیفمان را ننوشتمیم.	ما تکلیفمان را می‌نویسیم.	ما تکلیفمان را نمی‌نویسیم.	ما تکلیفمان را خواهیم نوشت.	ما تکلیفمان را ننویسیم.	-	-	ترجمه
دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب؛ مفرد مؤنث مخاطب)	أنتَ كَتَبْتَ واجِبِكَ.	أنتَ ما كَتَبْتَ واجِبِكَ.	أنتَ تَكْتُبُ واجِبِكَ.	أنتَ لا تَكْتُبُ واجِبِكَ.	أنتَ سَتَكْتُبُ (سَوْفَ تَكْتُبُ) واجِبِكَ.	أنتَ لا تَكْتُبُ واجِبِكَ.	أُكْتُبُ (أنتَ) واجِبِكَ.	-	مذکر
	تو تکلیفم را نوشتی.	تو تکلیفم را ننوشتی.	تو تکلیفم را می‌نویسی.	تو تکلیفم را نمی‌نویسی.	تو تکلیفم را خواهی نوشت.	تو تکلیفم را ننویس.	تو تکلیفم را بنویس.	-	ترجمه
دوم شخص جمع (مثنی مذکر مخاطب؛ جمع مذکر مخاطب؛ مثنی مؤنث مخاطب؛ جمع مؤنث مخاطب)	أنتمُ كَتَبْتُمْ واجِبِكُمْ.	أنتمُ ما كَتَبْتُمْ واجِبِكُمْ.	أنتمُ تَكْتُبُونَ واجِبِكُمْ.	أنتمُ لا تَكْتُبُونَ واجِبِكُمْ.	أنتمُ سَتَكْتُبُونَ (سَوْفَ تَكْتُبُونَ) واجِبِكُمْ.	أنتمُ لا تَكْتُبُونَ واجِبِكُمْ.	أُكْتُبُوا (أنتمُ) واجِبِكُمْ.	-	مذکر و مؤنث مثنی
	شما تکلیفتان را نوشتید.	شما تکلیفتان را ننوشتید.	شما تکلیفتان را می‌نویسید.	شما تکلیفتان را نمی‌نویسید.	شما تکلیفتان را خواهید نوشت.	شما تکلیفتان را ننویسید.	شما تکلیفتان را بنویسید.	-	ترجمه
سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب؛ مفرد مؤنث غایب)	هو كَتَبَ واجِبَهُ.	هو ما كَتَبَ واجِبَهُ.	هو يَكْتُبُ واجِبَهُ.	هو لا يَكْتُبُ واجِبَهُ.	هو سَيَكْتُبُ (سَوْفَ يَكْتُبُ) واجِبَهُ.	هو لا يَكْتُبُ واجِبَهُ.	-	هو كانَ يَكْتُبُ واجِبَهُ.	مذکر
	او تکلیفش را نوشت.	او تکلیفش را ننوشت.	او تکلیفش را می‌نویسد.	او تکلیفش را نمی‌نویسد.	او تکلیفش را خواهد نوشت.	او تکلیفش را ننویسد.	او تکلیفش را بنویسد.	او تکلیفش را می‌نوشته.	ترجمه
سوم شخص جمع (مثنی مذکر غایب؛ جمع مذکر غایب؛ مثنی مؤنث غایب؛ جمع مؤنث غایب)	هُمُ كَتَبُوا واجِبَهُمُ.	هُمُ ما كَتَبُوا واجِبَهُمُ.	هُمُ يَكْتُبُونَ واجِبَهُمُ.	هُمُ لا يَكْتُبُونَ واجِبَهُمُ.	هُمُ سَيَكْتُبُونَ (سَوْفَ يَكْتُبُونَ) واجِبَهُمُ.	هُمُ لا يَكْتُبُونَ واجِبَهُمُ.	-	هُمُ كانوا يَكْتُبُونَ واجِبَهُمُ.	مثنی مذکر جمع مذکر
	ایشان تکلیفشان را نوشتند.	ایشان تکلیفشان را ننوشتند.	ایشان تکلیفشان را می‌نویسند.	ایشان تکلیفشان را نمی‌نویسند.	ایشان تکلیفشان را خواهند نوشت.	ایشان تکلیفشان را ننویسند.	ایشان تکلیفشان را بنویسند.	ایشان تکلیفشان را می‌نوشته‌اند.	ترجمه

نکات جدول

- الف.** فعل امر برای اول شخص و سوم شخص به گونه دیگری است که در سال های آینده خواهید خواند.
- ب.** ماضی استمراری برای سوم شخص جمع مؤنث و اول شخص و دوم شخص و به گونه دیگری است که در سال های آینده خواهید خواند.
- ج.** در حالت امر و نهی، حرف «ن» در آخر فعل های دوم شخص جمع مؤنث و سوم شخص جمع مؤنث باقی می ماند ولی در بقیه فعل ها حذف می شود.
- د.** چون در فارسی فعل و ضمیر برای مؤنث و مذکر تفاوتی ندارد، ترجمه فعل ها و ضمیرهای مؤنث و مذکر یکسان است.
- ه.** چون در فارسی فعل و ضمیر مثنی نداریم، همه فعل ها و ضمیرهای مثنی به صورت جمع ترجمه می شوند.
- و.** شکل برخی از فعل ها برای ضمیرهای مختلف یکسان است. به این موارد دقت کنید.
- ز.** برای فعل های امر و نهی، بعد از فعل، ضمیر نمی آید؛ ولی در جدول برای این که بتوانید تشخیص دهید ضمیر مربوط به هر فعل کدام است، در فعل های امر ضمیر را در پرانتز، و در فعل های نهی ضمیر را قبل از فعل نوشته ایم.

۷. وزن کلمات

در زبان عربی، اکثر کلمه ها از سه حرف اصلی و تعدادی حرف زاید ساخته می شوند. حروف اصلی که ریشه کلمه هستند کلیت معنی کلمه را مشخص می کنند و حروف زاید جزئیات معنی را تعیین می کنند؛ مثلاً سه حرف «گ، ت، ب» معنی کلی نوشتن را در خود دارد. حال کلماتی مانند **کاتب (نویسنده)**، **مکتوب (نوشته شده)**، **مکتب (محل نوشتن)**، **کتب (او نوشت)**، **تکتب (تو می نویسی)** را ببینید؛ این کلمات و کلمات بسیار دیگری از ریشه «گ، ت، ب» ساخته می شوند که معنی کلی نوشتن را در خود دارند ولی جزئیات بیشتری را بیان می کنند.

وقتی به جای سه حرف اصلی کلمه، سه حرف «ف، ع، ل» را قرار دهیم و حروف زاید و حرکت ها را عیناً تکرار کنیم، وزن کلمه به دست می آید. مثلاً در کلمه کاتب، سه حرف اصلی «گ، ت، ب» هستند و «ا» حرف زاید است. با قراردادن «ف، ع، ل» به جای «گ، ت، ب» به کلمه «فَاعِل» می رسیم. در این حالت می گوییم: کاتب بر وزن فاعل است. کلمه ای که بر وزن فاعل باشد، به معنی انجام دهنده کاری است که آن کار همان معنی کلی ریشه سه حرفی است. در این جا، کاتب بر وزن فاعل است یعنی کسی که عمل نوشتن را انجام می دهد.

دانستن معنی هر وزن، برای فهم بهتر معنی کلمات لازم است و دانستن ریشه کلمات، علاوه بر این که معنی درست را به ما می رساند، در املا نیز کارگشاست.

قواعد جدید درس ۱

۴. معادل های اشخاص در عربی و فارسی

در فارسی از اصطلاحات اول شخص، دوم شخص، و سوم شخص استفاده می کنیم. همچنین در فارسی این اشخاص را برای مؤنث و مذکر تفاوتی ندارند. علاوه بر این، در فارسی فقط مفرد و جمع وجود دارد ولی در عربی مثنی (رونفر) هم وجود دارد. به این ترتیب، تعداد اشخاص در فارسی ۶ و در عربی ۱۴ است. در جدول زیر معادل های اشخاص در فارسی و عربی را می بینید. (در ادامه کتاب از اسم عربی هر شخص استفاده می کنیم.)

جدول شماره ۴ . معادل های اشخاص در عربی و فارسی						
اسم شخص در فارسی	سوم شخص مفرد	سوم شخص جمع	دوم شخص مفرد	دوم شخص جمع	اول شخص مفرد	اول شخص جمع
شخص فارسی	او	ایشان، آنها	تو	شما	من	ما
اسم شخص به عربی	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	مفرد مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب	مُتَكَلِّمٌ وَخَدَه	مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْعَبْرِ
	مفرد مذکر	مثنی مذکر	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	مفرد مؤنث غیر	مثنی مؤنث غیر	مفرد مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب		
	مفرد مذکر غیر	مثنی مذکر غیر	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب	مفرد مؤنث مخاطب	جمع مؤنث مخاطب		
	جمع مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مؤنث غایب	جمع مؤنث غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		
	جمع مذکر غایب	جمع مذکر غایب	مفرد مذکر مخاطب	جمع مذکر مخاطب		

۱. مطابقت ترجمه از نظر شخص، نوع، و زمان فعل

بسیار مهم است که اگر جمله‌ای مثلاً برای سوم‌شخص جمع نوشته شده بود، در ترجمه هم به‌صورت سوم‌شخص جمع نوشته شود. اگر به این مسأله کم‌توجهی کنید، بخش بزرگی از نمره سؤال را از دست خواهید داد. نکته بسیار مهم در ترجمه فعل‌ها این است که ممکن است در عربی فعلی مفرد بیاید ولی شخص انجام دهنده آن جمع باشد. این ماجرا قوانین مشخصی دارد که در سال‌های آینده آن را خواهید خواند ولی با دقت به بقیه بخش‌های جمله، به‌راحتی می‌توانید شخص جمله را تشخیص دهید.

همچنین، اگر در جمله عربی فعلی ماضی بود، در ترجمه هم باید ماضی باشد، اگر امر بود باید امر ترجمه شود، و اگر نهی بود باید به‌صورت نهی ترجمه شود. هرگونه بی‌دقتی در این مسأله هم باعث می‌شود بخش بزرگی از نمره را از دست بدهید.

توجه مهم
دقت داشته باشید ممکن است برای زیبایی و وضوح بیشتر، جمله‌ای که فعل آن ماضی است به‌صورت مضارع هم ترجمه شود. چنین جملاتی در کتاب دهم شما نادر هستند، اما تقریباً همه این موارد در این کتاب آمده است و در جای خود توضیح داده شده است.

۲. ترجمه ضمیرها

در ترجمه، باید همه ضمیرها به‌درستی ترجمه شوند. اگر ضمیری در ترجمه از قلم بیفتد، بخش بزرگی از نمره از دست خواهد رفت. در ترجمه ضمیرها به چند نکته دقت داشته باشید:

۱. شخص ضمیر را درست تشخیص دهید؛
۲. به ضمیرهای پیوسته، که به اسم یا فعل یا یک حرف می‌چسبند دقت کنید. زیاد اتفاق می‌افتد که این ضمیرها در ترجمه جا بیفتند!
۳. مرجع ضمیر را بشناسید. مرجع ضمیر اسمی است که ضمیر مربوط به آن است. گاهی تشخیص مرجع ضمیر برای ترجمه ضروری است.
۴. در فارسی، ممکن است به‌جای ضمیر «او» از «آن» استفاده کنیم. همچنین در بعضی از جملات به‌جای ضمیر پیوسته از «خود» استفاده می‌کنیم. (علی کتَبَ واجِبَهُ = علی تکلیفش را نوشت، یا، علی تکلیف فور را نوشت.)
۵. معمولاً ضمیری که به‌جای جمع مکسر به‌کار می‌رود مفرد است ولی در ترجمه فارسی باید جمع بیاید.

توجه مهم
حفظ‌بودن ضمایر جدا و پیوسته برای موفقیت در درس عربی ضروری است. اگر آن‌ها را حفظ نیستید، همین الآن شروع کنید!

مشاوره

بخش مهمی از عربی تشخیص درست ضمیرهاست.

شما باید بتوانید با دیدن هر ضمیر، بلافاصله، دو چیز را تشخیص دهید:

اول؛ شخصی که ضمیر درباره آن است؛

دوم؛ اسمی که ضمیر به آن برمی‌گردد.

با تشخیص این مورد هم در ترجمه موفق‌تر خواهید بود و هم

بسیاری از سوال‌ها را زودتر و راحت‌تر جواب خواهید داد.

بخش واژگان

باسخ سوالات را در این کادر بنویسید.

الف. اُكْتُبْ مَعْنِي الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

۱. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ.....
۲. اُنظُرْ اِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَّوْهَا مُسْتَعْرَه
۳. ذَاكَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي اَنْعَمَهُ مِنْهُمْ
۴. هَلْ سافَرْتُمْ اِلَى اِيْرانَ؟ لا مَعَ الْاَسْفِ.

ب. صَعِّعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.

- | | |
|---|----------------|
| ● | ۱. الْاَنْعَم |
| ● | ۲. الْفُسْتَان |
| ● | ۳. الشَّمْس |
| ● | ۴. الدَّر |
| ● | ۵. الْغَيْم |
| ● | ۶. الشَّرْرَة |

ج. عَيِّنِ الْمُتْرَادَفَ وَ الْمُتَضَادَّ مِنْ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

الْاَبْيَضُ / الشَّرْرَة / السَّحَابُ / الظُّلْمَة / الْغَيْمُ / الزَّبِيعُ / الْجَدْوَة / الْاَسْوَدُ / النُّورُ

د. صَعِّعِ الْمُتْرَادَفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

- ضِيَاءُ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدٌّ
- | | | | | | |
|--------------|------------|-----------|-------------|----------------|---------------|
| ۱. رَخِيصَةٌ | ۲. بَيْعٌ | ۳. رَقَدَ | ۴. رَاسِبٌ | ۵. بَدَايَةٌ | ۶. قَبِيحٌ |
| ۷. يَسَارٌ | ۸. بَعِيدٌ | ۹. نُورٌ | ۱۰. حَزِينٌ | ۱۱. مُجْتَهِدٌ | ۱۲. مَمْنُوعٌ |

هـ. اِنتَخِبْ أَوْ اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

۱. فُصُولُ السَّنَةِ (أَرْبَعَةٌ / خَمْسَةٌ) وَ هِيَ: وَ وَ وَ
۲. نُورُ الْبَحْرِ وَ نُورُ الْمَوْزِ وَ نُورُ الرُّمَانِ وَ نُورُ الشَّجَرِ
۳. نَأْكُلُ فِي الصَّبَاحِ وَ فِي الظُّهْرِ وَ فِي اللَّيْلِ.

و. عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْفَارْسِيَةِ فِي الْعِبَارَاتِ.

۱. إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.
هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند، شایستگان هلاک شدند.
۲. مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.
هرکس دشمنی کاشت زیان درو کرد.
۳. الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.
سخن مانند داروست؛ اندکش سود می‌رساند و بسیارش کُشنده است.
۴. اِرْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.
به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند

بخش قواعد

الف. اُكْتُبْ نَوْعَ هَذِهِ الْأَفْعَالِ وَ صِيغَتَهُ ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

أَذْهَبُ، إِذْهَبْ، مَا ذَهَبْتَ، مَا كَانَتْ تَذْهَبَانِ، سَتَذْهَبُ، لَا تَذْهَبِي، إِذْهَبِي، لَا يَذْهَبْنَ، تَذْهَبُونَ

ب. كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ بِضَمِيرٍ مَنَاسِبٍ.

۱. ذَهَبُوا إِلَى تَيْبَةٍ

۲. تَكْتَبَانِ وَاجِبَةً

۳. تَنْصُرُنَّ صَدِيقَةً

۴. كَانَتْ تُخْرِجُ طَعَامًا

ج. اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

.....	۲. تَعْظِيم	۱. إِشْتِعَال
.....	۴. كَامِل	۳. مَرْحُومَةٌ
.....	۶. نَجَار	۵. سَعِيد
.....	۸. مِفْتَاح	۷. عَجُول
.....	۱۰. مُفَسِّر	۹. مُحَمَّد

بخش ترجمه

الف. تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
۲. فَأَبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّوْمَ
۳. وَ أَنْظِرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
۴. فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَابِ خَضْرَاهِ
۵. وَ أَنْظِرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّى فِيهِ بَصَرَهُ
۶. مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ
۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ.
۸. قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.
۹. أُطِيبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.
۱۰. إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَمُوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.
۱۱. وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا.

ب. كَمِّلِ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ. به بسیاری نمازشان و و بسیاری حجشان
۲. وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي مِمَّا تَعْمَلُونَ عَلَيْهِمْ. و کار نیکو
۳. لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ. از یک در بلکه از درهای مختلف
۴. وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ. و برای من یاد نیکو در
۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. ای کسانی که ایمان آوردید،
۶. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. پروردگارا،

پاسخ سوالات را در این کادر بنویسید.

پاسخ سوالات را در این کادر بنویسید.

۷. اِرْحَمَ مَنْ فِي الْاَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.

به کسی که در زمین است

۸. اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَتَوَّابِطُوا الْفَقْرَ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ.

دانش را طلب کنید گرچه زیرا طلب دانش

۹. هَلْ سَافَرْتَ إِلَى اِيرانَ حَتَّى الْاَنِّ؟

آیا به ایران

۱۰. فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

در خورشید

۱۱. وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالذَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ.

و آن را با ستارگانی همچون پراکنده

ج. عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱. إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند / مالک قدرت شدند)، شایستگان هلاک شدند.

۲. الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

سخن مانند داروست. اندکش (سودمی رساند / شفامی دهد) و بسیارش (می کشد / کشنده است).

۳. أَنْظُرْ إِلَيَّ مَا قَالُ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَيَّ مَنْ قَالُ.

به آنچه گفت (بنگر / می نگرم) و به آن که گفته است (ننگر / نمی نگری)

۴. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.

برای (دنیایت / دنیا) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی / لذت میبری)

و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری / نزدیک است بمیری).

۵. إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

هرگاه (بر دشمنت قادر شدی / دشمن را شکست دادی)، بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن

بر او (قرار می دهی / قرار بده).

۶. قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ.

گفتن (می دانم / نمی دانم) نیمی از دانش است.

۷. مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.

هرکس (دشمنی / دوستی) کاشت (زیان / سود) درو کرد.

۸. أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ.

دوست دارم (سفر کنم / مسافرت می کنم)

بخش درک مطلب

الف. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْحَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ.

ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ

وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ

يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ

فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

أَنْظُرْ لِنَيْلِكَ الشَّجَرَةَ

كَيْفَ مَمَّتْ مِنْ حَيَّةٍ

فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي

وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي

الأسئلة:

۱. الشَّجَرَةُ مَمَّتْ مِنْ ثَمَرَتِهَا

۲. يُمَكِّنُ أَنْ تَصِيرَ حَيَّةٌ شَجَرَةً

۳. اللَّهُ يُنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ الْمَطَرَ

سوالات تستی

بخش ترجمه

الف: عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ (رقم ۱ - ۳):

۱. «سَأَلْتُ مِنْ أُمِّي: مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنَ الشَّجَرَةِ هَذِهِ الثَّمَرَاتِ؟»

- ۱ مادرم از من پرسید: چه کسی از درخت میوه‌ها را بیرون می‌آورد؟
- ۲ از مادرم می‌پرسم: چه کسی است این کسی که از درختان این میوه‌ها را بیرون می‌آورد؟
- ۳ از مادرم پرسیدم: چه کسی است این کسی که از درخت این میوه‌ها را بیرون می‌آورد؟
- ۴ از مادرم پرسیدم: کسی که از درخت این میوه‌ها را بیرون آورده است کیست؟

۲. «زَانَ رَبِّي الرَّحِيمِ اللَّيْلِ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.»

- ۱ پروردگار رحیم من شب را با ستارگانی مانند مرواریدهای پخش شده آراست.
- ۲ پروردگار بخشنده من شب‌ها را با ستارگان مانند مرواریدهای پخش شده زینت داد.
- ۳ خداوند رحیم شب را با ستارگانی مانند مروارید که پخش شده‌اند تزیین کرده است.
- ۴ پروردگار رحیم من شب را با ستارگانی مرواریدمانند و پخش شده می‌آراست.

۳. «مَا سَافَرْتُ صَدِيقَتِكَ إِلَى تِلْكَ الْمَدِينَةِ حَتَّى الْآنَ وَ لَكِنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تُسَافِرَ.»

- ۱ دوست تو تاکنون به آن شهر مسافرت نکرده است، ولی دوست داشت که سفر کند.
- ۲ دوست تو تا به حال به آن شهر مسافرت نکرده، ولی دوست دارد که سفر کند.
- ۳ دوستم الان به آن شهر سفر نکرد، ولی تو دوست داری که به آنجا سفر کنی.
- ۴ دوستت تا به حال به این شهر سفر نکرده و او دوست ندارد که سفر کند.

۴. «مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟ عَيْنِ الْخَطَأِ لِمَفْهُومِ.»

- ۱ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ.
- ۲ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ.
- ۳ مَا خَلَقَتْ هَذَا بَاطِلًا.
- ۴ وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

بخش قواعد

۵. «عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ «الْفِعْلِ» فِي الْجُمْلِ.»

- ۱ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.
- ۲ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، أَنْظِرُوا إِلَى صَدَقِ الْحَدِيثِ.
- ۳ اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا.
- ۴ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ.

۶. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْقَرَأَتَيْنِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «يُدْرَسُ الأُسْتَاذُ فِي الْجَامِعَةِ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ.»

- ۱ هذا - هذه ۲ تلك - اولئك ۳ هذا - هؤلاء ۴ ذلك - هذان

۷. عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا فِعْلُ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ مَعًا:

- ۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ.
- ۲ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ.
- ۳ يَا تَلَامِيزِي أَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ بِدِقَّةٍ وَ لَا تَكْتُبُوا بِسُرْعَةٍ.
- ۴ لَهُمْ لَا يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۸. اِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ حَسَبَ الكَلِمَاتِ الْمُتَنَاسِبَةِ

- ۱ غَيم - كوكب - قمر - إغبار
 ۲ غيم - كوكب - قمر - إغبار
 ۳ نضرة - قاعة - خضرة - جميلة
 ۴ أوجد - زان - أنعم - أخرج
 ۵ صدق - أداء الأمانة - عفو - وقار

بخش درک مطلب

۹. ماهو الخطأ حسب التوضيحات.

- ۱ بخار مُتراكِمٌ في السماء يُنزَلُ مِنْهُ المَطَرُ وَ التَّلْجُ: السحاب
 ۲ الأحجارُ الغالبيةُ ذاتُ اللونِ الأبيض: الدرر
 ۳ كوكبٌ يدورُ حَوْلَ الأرضِ وَ ضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ: النُّجم
 ۴ مِنَ المَلابِسِ النَّسائِيَّةِ ذاتُ الألوانِ المُخْتَلِفَةِ: الفُستان

ب: اِقْرَأ النَّصَّ التَّالِيَ بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ: (رقم ۱۰ - ۱۲).....(سراسری، ریاضی ۹۳، با تغییر)

«أرأيت شجرةً مرتفعَةً أو ثمرَةً أو فاكهَةً لذيذَةً؟ أ لم تكن هذه بَدْرَةً ثُمَّ أَصْبَحَتْ ما تَرَاهُ الآنَ في الطَّبِيعَةِ؟ الرَّبِيعُ قَدْ جاءَ بِأزهارِهِ بَعْدَ الشَّتَاءِ وَ سَقوطِ أوراقِ الأشجارِ في الخَريفِ. تِلْكَ هي قُدْرَةُ اللَّهِ وَ نِعْمَتُهُ وَ عَلَيْنَا شُكْرُ هذه النِّعَمَاتِ. فَتَقول: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العالَمِينَ﴾»

۱۰. عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- ۱ جاءَ الخَريفُ بَعْدَ الشَّتَاءِ.
 ۲ سَقَطَتْ أوراقُ الأشجارِ في الرَّبِيعِ.
 ۳ جاءَ الشَّتَاءُ بَيْنَ الخَريفِ وَ الرَّبِيعِ.
 ۴ نَرى الأزهارَ في الشَّتَاءِ.

۱۱. عَيِّنِ الخَطَأ:

- ۱ لَمْ تَكُنْ الشَّجَرَةُ بَدْرَةً.
 ۲ نَرى الأشجارَ في الطَّبِيعَةِ؟
 ۳ إِنَّ الأشجارَ وَ الفواكَةَ مِنَ اللَّهِ.
 ۴ عَلَيْنَا شُكْرُ اللَّهِ لِنِعَمَاتِهِ.

۱۲. ما نَقولُ عِنْدَ مُشاهَدَةِ الأشجارِ وَ الثَّمَرَاتِ؟

- ۱ جاءَ الرَّبِيعُ.
 ۲ سَقَطَتْ أوراقُ الأشجارِ.
 ۳ هذه بَدْرَةٌ في الطَّبِيعَةِ؟
 ۴ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العالَمِينَ.

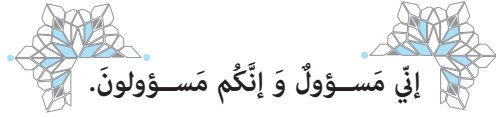
مشاوره

برای پاسخ دادن به سولات درک مطلب، چه تشریحی و چه تستی، لازم نیست متن را ترجمه کنید. همین که کلیات متن را بفهمید و بتوانید کلمات کلیدی صورت سوال را در متن پیدا کنید، می‌توانید پاسخ درست را بیابید. اینکار به کمی تمرین نیاز دارد و نکته جالب اینکه اگر شما بر این مهارت مسلط شوید، می‌توانید در درس زبان انگلیسی هم از آن کمک بگیرید.

آزمون درس ۱	
واژه‌شناسی	
۰/۵	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:</p> <p>الف. ذوحكمةٍ بالغَةٍ ب. هاتانِ زُجَاجَتَانِ</p>
۰/۵	<p>أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ.</p> <p>(تبيع، غيم، إساءة، شراء، سحاب)</p> <p>الف. = ب. ≠</p>
۰/۵	<p>عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى:</p> <p>الف. الأرض، الألوان، البحار، الجبال ب. نَضْرَةٌ، مُنْهَمِرَةٌ، مَطْرَةٌ، مُسْتَعْرَةٌ</p>
۰/۵	<p>أَكْتُبْ مُفْرَدَةً أَوْ جَمَعَ الْكَلِمَتَيْنِ:</p> <p>الف. الجمع لكلمة الغُصْنِ:..... ب. المفرد لكلمة أَنْجَمٌ:.....</p>
۰/۵	<p>تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>(۱) و انظر إلى المرء و قل من شق فيهِ بصره و جهزه بقوة مفتركة. (۲) الحمد لله الذي خلق السماوات و الأرض و جعل الظلمات و النور. (۳) قال زائر مرقد أميرالمؤمنين: مع الأسف إني ما سافرتُ إلى إيران حتى الآن. (۴) هل رأيت كوكباً يدور حول الأرض و ضياؤه من الشمس. (۵) يتفكرون في خلق السماوات و الأرض ربنا ما خلقنا هذا باطلاً.</p>
۰/۵	<p>كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>الف. من الأحجار الجميلة ذات اللون الأبيض. از سنگ‌های زیبای دارای رنگ ب. التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ. در فرودگاه.</p>
۱/۵	<p>تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ اذْكَرْ نَوْعَ الْفِعْلِ.</p> <p>۱. لا تَكْتُبِينَ واجبك: ۲. كُنْتُ أَكْتُبُ درسي: ۳. سوف يَكْتُبَنَّ التَّمارين:</p>
۰/۵	<p>أَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ:</p> <p>قَبِيحٌ: منصور:</p>
۰/۵	<p>إرسم السَّاعَتَيْنِ.</p> <p>الف. الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً ب. الْخَامِسَةُ وَ النِّصْفُ</p>



الدَّرْسُ الثَّانِي (إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ)



إِنِّي مَسْؤُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ.

بی گمان من و شما مسئول هستید.

« كَانَتْ سُمِّيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَيْهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، وَ كَانَتْ حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

اول تو بگو:

.....

واژه‌ها را بشناس: الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ: ساعت کار مدرسه
حُجْرَاتُ: اتاق‌ها، کلاس‌ها؛ (مفرد: حُجْرَةٌ)
مُغْلَقَةً / مُغْلَقٌ: بسته؛ {اسم مفعول}

أَنْ تَفْرَغَ: که خالی شود؛ {معادل مضارع التزامی برای مفرد مؤنث غایب؛ ماضی: فَرَعَتْ، مضارع: يَفْرَعُ، مصدر: فَرَاغَ}

این هم ترجمه ما: سَمِيَّة پس از پایان ساعت کار مدرسه برای بازگشت به خانه منتظر مادرش بود. و کلاس‌های مدرسه بسته بود، و مدیر مدرسه و برخی از معلمان منتظر بودند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.

« عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمِّيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَّةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً وَ بَاتَهَا مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمِّيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

اول تو بگو:

.....

واژه‌ها را بشناس: عِنْدَئِذٍ: در این هنگام
مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ: کولر، تهویه مطبوع
ظَنَّتْ: گمان کرد؛ {ماضی برای مفرد مؤنث غایب؛ ماضی: ظَنَّتْ، مضارع: يَظُنُّ، مصدر: ظَنَّ}

آخَرَ / أُخْرَى: دیگر
حِصَّةٍ: کلاس؛ حِصَّةِ تَقْوِيَّةٍ: کلاس تقویتی
يُمَارِسْنَ: انجام می‌دهند، تمرین می‌کنند؛ {مضارع برای جمع مؤنث غایب؛ ماضی: مَارَسْنَ، مضارع: يُمَارِسْنَ؛ مصدر: مُمَارَسَةٌ}

نَشَاطٍ: فعالیت
حُرًّا: آزاد، آزاده؛ نَشَاطًا حُرًّا: فعالیت آزاد

فَارِغَةً / فَارِغٌ: خالی

أَخْبَرَتْ: باخبر کرد؛ {ماضی برای جمع مؤنث غایب؛ ماضی: أَخْبَرَتْ، مضارع: يُخْبِرُ؛ مصدر: أَخْبَرْتُ؛ او را باخبر کرد
إِطْفَاءَ: خاموش کردن؛ {مصدر، ماضی: أَطْفَأَ؛ مضارع: يُطْفِئُ}

این هم ترجمه ما: در این هنگام، سَمِيَّة صدای کولر را از یکی از کلاس‌ها شنید. گمان کرد دانش‌آموزان کلاسی دیگر در کلاس تقویتی هستند، یا فعالیت آزاد انجام می‌دهند؛ و وقتی با دقت نگاه کرد، اتاق را خالی و در آن را بسته یافت پس به‌سوی مدیر رفت و از آنچه دیده بود او را باخبر کرد؛ مدیر از او تشکر کرد و خاموش کردن چراغ‌ها و کولر را از سَمِيَّة خواست (یا از سَمِيَّة خواست چراغ‌ها و کولر را خاموش کند).

عَنْدَيْدِ شَاهَدَتِ الْمُدِيرَةَ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَتْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

اول تو بگو:

واژه‌ها را بازشناسی: كَانَتْ تَذْهَبُ: می‌رفت؛ {معادل ماضی استمراری برای مفرد مؤنث غایب}

إِغْلَاق: بستن؛ {مصدر: ماضی: إِغْلَقَ، مضارع: يُغْلِقُ}

حَتْفِيَّةِ الْمَاءِ: شیر آب

این هم ترجمه ما: در این هنگام، مدیر دانش آموزی به نام فاطمه را دید؛ فاطمه برای بستن شیرِ آبی که کمی باز بود می‌رفت.

و فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِضْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سَمِيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.

اول تو بگو:

التَّالِي: بعدی؛ الْيَوْمِ التَّالِي: روز بعد

الِإِضْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ: صف صبح‌گاه

إِهْتِمَام: توجه؛ {مصدر: ماضی: إِهْتَمَّ، مضارع: يَهْتَمُّ؛ لِاهْتِمَامِهِمَا (ل + إِهْتِمَام + هِما): به‌خاطر توجه آن دو نفر}

الْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ: تأسیسات عمومی، اموال عمومی

این هم ترجمه ما: و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجه آن‌ها به تأسیسات عمومی تشکر کرد.

و فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتِ الْمَدْرَسَةَ: مَا الْمَقْصُودُ بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ؟

أَجَابَتْ الْمَدْرَسَةُ: هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي مَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهَمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلَةً لِلْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.

اول تو بگو:

واژه‌ها را بازشناسی: مَمْتَلِكُ: مالک می‌شود؛ {مضارع برای مفرد مؤنث غایب؛ ماضی: إِمْتَلَكَ، مضارع: يَمْتَلِكُ، مصدر: إِمْتَلَاكَ}

يَنْتَفِعُ: سود می‌برد از؛ {ماضی: اِنْتَفَعَ، مصدر: اِنْتَفَاع}

این هم ترجمه ما: و در کلاس مطالعات اجتماعی رقیه برخاست و از معلم پرسید: منظور از تأسیسات عمومی چیست؟ معلم پاسخ داد: [تأسیسات عمومی] جاهایی است که دولت مالک آن می‌شود، و همه مردم از آن سود می‌برند. اگر معنایش را فهمیدی برایمان مثال‌هایی از تأسیسات عمومی ذکر کن.

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمَسْتَشْفِيَّاتُ وَ الْمَسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَّاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوَارَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ

الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ.

اول تو بگو:

واژه‌ها را بازشناسی: الْهَوَاتِفُ: تلفن‌ها؛ مفرد: (هَاتِف)؛ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ: تلفن‌های عمومی

الْمَسْتَشْفِيَّاتُ: بیمارستان‌ها؛ (مفرد: الْمُسْتَشْفَى)

الْمَسْتَوْصَفَاتُ: درمانگاه‌ها؛ (مفرد: الْمُسْتَوْصَف)

الْمَتَّاحِفُ: موزه‌ها؛ (مفرد: الْمُتَّحِف)

الْمَكْتَبَاتُ: کتابخانه‌ها؛ (مفرد: الْمَكْتَبَةُ)

دَوَارَاتُ الْمِيَاهِ: سرویس‌های بهداشتی؛ (مفرد: دَوْرَةُ الْمِيَاهِ)

الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ: باغ‌های عمومی؛ (مفرد: الْحَدِيقَةُ الْعَامَّةُ)

الرَّصِيفُ: پیاده‌رو

أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ: تیرهای برق؛ (مفرد: عَمُود الْكَهْرَبَاءِ)

این هم ترجمه ما: رقیه پاسخ داد: مدرسه‌ها، تلفن‌های عمومی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، باغ‌های عمومی، درختان کنار پیاده‌رو و تیرهای برق و ...

« أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ: أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَافُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ.
سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعْجُبٍ: لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ.

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناسی: أَحْسَنْتِ: آفرین بر تو، درست گفתי
الْحِفَافُ عَلَى: نگهداری از
مُوَاطِنٍ: شهروند، هم‌میهن

این هم ترجمه ما: معلم پاسخ داد: آفرین بر تو! و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی واجب است.
دانش آموزان با تعجب پرسیدند: چرا و چگونه؟! آن وظیفه دولت است.

« قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسَمِيَّتْهُ الَّتِي أَطْفَأَتِ الْمُكَيِّفَ وَ الْمَصَابِيحَ وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ
الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتَحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا، وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي
غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هُوَ لِإِيجَابَتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ.

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناسی: تُحَافِظُ: حفظ می‌کند، نگهداری می‌کند، محافظت می‌کند؛ { مضارع برای مفرد مؤنث غایب؛ ماضی: حَافِظٌ،
مضارع: يُحَافِظُ، مصدر: مُحَافِظَةٌ }
الْهُدُوءِ: آرامش
تَنْصَحُ: نصیحت می‌کند؛ { مضارع برای مفرد مؤنث غایب؛ ماضی: نَصَحَ، مضارع: يَنْصَحُ، مصدر: نَصِيحَةٌ }
يَرْمِي: می‌اندازد؛ { ماضی: رَمَى، مصدر: رَمَى }
النُّفَايَاتِ: زباله‌ها؛ { مفرد: نَفَايَةٌ }

این هم ترجمه ما: معلم گفت: البته که مسئولیتی مشترک است، سمیه که کولر و چراغ‌ها را خاموش کرد و فاطمه که شیر آب را
بست و دانش‌آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می‌شود و آرامش آن و پاکیزگی کتاب‌ها و ترتیب آن‌ها را حفظ
می‌کند و آن که کسی را که در غیر از جای مناسب زباله می‌اندازد با کلامی خوب نصیحت می‌کند، این‌ها، به
وظیفه خود عمل می‌کنند؛ مانند شهروندانی که مسئولیت را می‌فهمند (یا احساس مسئولیت می‌کنند).

« قَامَتْ سَمِيَّةٌ وَ قَالَتْ: أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ الْجِدَارِيَّةِ:
«إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)»
قَبِلَتِ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: هَذَا الْاِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.

اول تو بگو:

واژه‌ها را بشناسی: تَأْ لَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ: آیا مناسب نیست؟
اللُّوْحَةُ الْجِدَارِيَّةُ: تابلوی دیواری
الْبِقَاعِ: قطعه‌های زمین؛ { مفرد: بَقْعَةٌ }
الْبُهَائِمِ: چهارپایان به جز درندگان؛ { مفرد: بَهِيمَةٌ }
الْاِقْتِرَاحُ: پیشنهاد؛ { مصدر؛ ماضی: اقْتَرَحَ، مضارع: يَقْتَرِحُ }
سَنَتَعَاوَنُ (س + تَعَاوَنُ): همکاری خواهیم کرد؛ { آینده برای متکلم مع‌الغیر؛ ماضی: تَعَاوَنَ، مضارع: يَتَعَاوَنُ، مصدر: تَعَاوَنَ }

این هم ترجمه ما: سمیه برخاست و گفت: آیا نوشتن این حدیث روی تابلوی دیواری مناسب نیست؟
«قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد زمین‌ها و چهارپایان، امیرالمؤمنین علی (ع)»
معلم پذیرفت و گفت: این پیشنهاد خوب است و همکاری برای عمل به این حدیث همکاری خواهیم کرد.

واژگان مکالمه و تمرین‌ها

(همه لغت‌های مهم و لازم‌ترین‌ها را در اینجا آورده‌ایم)

عَيْنٌ	تعیین کن	ما أَجْمَلُ	چه زیباست!	مِصْيَافٌ	مهمان‌دوست	نَاقِصٌ	مِنه‌ای
سَائِحٌ	گردشگر	شَعْبٌ	مَلَّتْ	زَانِدٌ	به‌علاوه	يُسَاوِي	مساوی است
أُرْسَلْنَا	فرستادیم	لَبِثْتُ	دزنگ کرد	جَاءَ بِـ	آوَرَدُ	حَلِمٌ	بردباری
سَمَاعٌ	شنیدن	مَلَمَةٌ	مورچه	يَفُوقُ	بالاتر است از		

قواعد درس ۲

۱. معدود و اعداد اصلی و ترتیبی و تفاوت آن‌ها

در سال دهم با اصطلاح معدود آشنا می‌شوید. معدود چیزی است که شمرده می‌شود. اعداد دو نوع هستند: اصلی و ترتیبی.

اعداد اصلی برای نشان دادن شمارهٔ اشیاء به‌کار می‌روند؛ مانند یک کتاب، دو کتاب، سه کتاب، ۴۵ کتاب. اعداد ترتیبی برای نشان دادن ترتیب اشیاء به‌کار می‌روند؛ مانند: کتاب اول یا یکم، کتاب دوم، کتاب ۲۳۷م.

توجه مهم

بهترین راه تشخیص اعداد اصلی و ترتیبی آن است که این اعداد را بشناسید. با این حال ممکن است به دلیل شباهت زیاد اعداد ترتیبی و اصلی، در تشخیص این اعداد دچار اشتباه شوید. راه دیگری که برای تشخیص این اعداد وجود دارد این است که برای اعداد ترتیبی و اعداد اصلی ۱ و ۲، عدد همیشه بعد از معدود می‌آید، ولی در سایر اعداد اصلی، یا عدد همیشه قبل از معدود یا بدون معدود می‌آید، یعنی معدود را باید از سایر قرینه‌های جمله تشخیص داد.

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات اعداد جدول‌های زیر را به‌خاطر بسپارید:

جدول شماره ۵ — اعداد اصلی

اعداد اصلی عقود (۲۰ تا ۹۰)		اعداد اصلی (از ۱۱ تا ۱۹)			اعداد اصلی اصلی (از ۱ تا ۱۰)		
شماره	عدد (مذکر و مؤنث)	عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره	عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره
۱۰	از اعداد اصلی است	إِحْدَى عَشْرَةَ	أَحَدَ عَشَرَ	۱۱	واحدةً	واحد	۱
۲۰	عِشْرُونَ / عِشْرِينَ	إِثْنَتَا عَشْرَةَ / اثْنَتَيْ عَشْرَةَ	إِثْنَا عَشَرَ / اثْنَيْ عَشَرَ	۱۲	إِثْنَانِ / إِثْنَيْنِ	إِثْنَانٌ / إِثْنَيْنٌ	۲
۳۰	ثَلَاثُونَ / ثَلَاثِينَ	ثَلَاثَةَ عَشْرَةَ	ثَلَاثَ عَشْرَةَ	۱۳	ثَلَاثُ	ثَلَاثَةٌ	۳
۴۰	أَرْبَعُونَ / أَرْبَعِينَ	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	أَرْبَعَ عَشْرَةَ	۱۴	أَرْبَعٌ	أَرْبَعَةٌ	۴
۵۰	خَمْسُونَ / خَمْسِينَ	خَمْسَةَ عَشَرَ	خَمْسَ عَشْرَةَ	۱۵	خَمْسٌ	خَمْسَةٌ	۵
۶۰	سِتُّونَ / سِتِّينَ	سِتَّةَ عَشَرَ	سِتَّ عَشْرَةَ	۱۶	سِتٌّ	سِتَّةٌ	۶
۷۰	سَبْعُونَ / سَبْعِينَ	سَبْعَةَ عَشَرَ	سَبْعَ عَشْرَةَ	۱۷	سَبْعٌ	سَبْعَةٌ	۷
۸۰	ثَمَانُونَ / ثَمَانِينَ	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ	ثَمَانِيَ عَشْرَةَ	۱۸	ثَمَانِيٌّ	ثَمَانِيَةٌ	۸
۹۰	تِسْعُونَ / تِسْعِينَ	تِسْعَةَ عَشَرَ	تِسْعَ عَشْرَةَ	۱۹	تِسْعٌ	تِسْعَةٌ	۹
					عَشْرٌ	عَشْرَةٌ	۱۰
					مِئَةٌ (مِائَةٌ)	مِئَةٌ (مِائَةٌ)	۱۰۰

جدول شماره ۶ — اعداد ترتیبی					
اعداد ترتیبی از یازدهم تا بیستم			اعداد ترتیبی از یکم (اول) تا دهم		
عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره	عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره
الحادیة عَشْرَة	الحادی عَشْر	یازدهم	الأولی	الأول	یکم (اول)
الثانیة عَشْرَة	الثانی عَشْر	دوازدهم	الثانیة	الثانی	دوم
الثالثة عَشْرَة	الثالث عَشْر	سیزدهم	الثالثة	الثالث	سوم
الرابعة عَشْرَة	الرابع عَشْر	چهاردهم	الرابعة	الرابع	چهارم
الخامسة عَشْرَة	الخامس عَشْر	پانزدهم	الخامسة	الخامس	پنجم
السادسة عَشْرَة	السادس عَشْر	شانزدهم	السادسة	السادس	ششم
السابعة عَشْرَة	السابع عَشْر	هفدهم	السابعة	السابع	هفتم
الثامنة عَشْرَة	الثامن عَشْر	هجدهم	الثامنة	الثامن	هشتم
التاسعة عَشْرَة	التاسع عَشْر	نوزدهم	التاسعة	التاسع	نهم
العشرون	العشرون	بیستم	العاشرة	العاشر	دهم

توجه مهم بحث عدد در زبان عربی بسیار مفصل و تاحدودی پیچیده است. در سال دهم شما نکات مختصری درباره عدد می‌خوانید ولی آنچه لازم است این است که اعداد و معنی آن‌ها را حفظ باشید و تفاوت اعداد اصلی و ترتیبی را بدانید. سایر مطالبی که باید درباره عددها بدانید از این قرار است:

- الف:** به عددهای «عِشْرُونَ (۲۰)، ثَلَاثُونَ (۳۰)، أَرْبَعُونَ (۴۰)، خَمْسُونَ (۵۰)، سِتُّونَ (۶۰)، سَبْعُونَ (۷۰)، ثَمَانُونَ (۸۰)، تِسْعُونَ (۹۰)» عقود گفته می‌شود. اعداد عقود به جای «وَن» یا «بِین» هم می‌آیند؛ مانند عَشْرین، ثَلَاثین، الی آخر. تفاوت آن‌ها را در درس‌های آینده خواهید خواند.
- ب:** به عددهایی مانند وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ (۲۱)، اِثْنَانٍ وَ عِشْرُونَ (۲۲)، و غیره معطوف گفته می‌شود.
- ج:** معدود سه تا ده مضاف الیه و به صورت جمع است؛ مثال: ثَلَاثَةٌ كُتِبَ.
- د:** معدود عددهای ۱۱ تا ۹۹ مفرد است؛ مثال: أَحَدٌ عَشْرٌ كُوكِبًا (۱۱ ستاره)، تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ يَوْمًا (۹۹ روز).
- ه:** «وَاحِدٌ، وَاحِدَةٌ» و «اِثْنَانٍ، اِثْنَانٍ، اِثْنَتَيْنِ» بعد از معدود می‌آیند؛ مثال: سَائِحٌ وَاحِدٌ، غُصْنَانِ اِثْنَانٍ، اِمْرَأَتَيْنِ اِثْنَتَيْنِ.
- ه:** در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال: أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ (۵۴)، تِسْعَةٌ وَ سَبْعُونَ (۷۹).

نکات ترجمه‌ای فارسی ۲

- ۱- ترجمه معدود
۲. نکات بسیار مهم درباره معدود این است که در عربی، معدود ممکن است مفرد یا جمع باشد ولی در فارسی، معدود همیشه مفرد است و جمع‌نوشتن معدود در فارسی کاملاً غلط است.
۳. ساعت‌ها و علامت‌های ریاضی و نام آن‌ها در عربی این احتمال وجود دارد که شما در امتحان، سؤال ساعت داشته باشید. در این سؤالات شما باید ساعتی که به عربی نوشته شده است را به صورت عقربه‌ای یا به ریاضی یا به فارسی بنویسید. حالت برعکس، یعنی نوشتن ساعت به عربی در برنامه کتاب دهم نیست. برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، اصطلاحات جدول زیر را به خاطر بسپارید:

جدول شماره ۷ — ساعت‌ها			
اصطلاح	معنی	مثال	ترجمه
... إلّا...	... مانده به ...	الحادیة عَشْرَة إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ	۱۰ دقیقه به ۱۱
تَمَامًا	ساعت دقیقاً ...	الثانیة عَشْرَة تَمَامًا	دقیقاً ۱۲
... وَ نِصْفًا	... و نیم	الخامسة وَ النِّصْفِ.	پنج و نیم
... وَ رُبْعًا	... و ربع	السادسة وَ رُبْعًا.	۶ و ربع (پانزده دقیقه)
... وَ دَقِيقَةً (دَقَائِقَ)	... و ... دقیقه	السابعة وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.	۷ و ۲۰ دقیقه

همچنین ممکن است در امتحان از شما خواسته شود یک عبارت ریاضی به زبان عربی را به فارسی یا به زبان ریاضی ترجمه کنید. البته برعکس این حالت در امتحان مورد سؤال نخواهد بود؛ یعنی شما در امتحان سؤالی نمی‌بینید که در آن یک عبارت ریاضی نوشته شود و به زبان عربی خواسته شود. در جدول زیر علایم ریاضی به فارسی و عربی و زبان ریاضی آمده است؛ آن‌ها را به‌خاطر بسپارید:

جدول شماره ۸ — علایم ریاضی		
عربی	فارسی	ریاضی
ناقص	منهای	-
زائد	به‌اضافه	+
ضرب فی (فی)	ضرب در (در)	×
تقسیم علی (علی)	تقسیم بر (بر)	÷
یساوی	مساوی است با (برابر است با)	=
لا یساوی (مایساوی)	مساوی نیست با (برابر نیست با)	≠
... فی مئة	... درصد	%

۳. فعل‌هایی که معنی آن با حرف «ی» تغییر می‌کند.

بعضی از فعل‌ها در زبان عربی هستند که اگر با حرف «ی» همراه شوند معنی آن تغییر می‌کند. معمولاً این فعل‌ها لازم هستند، یعنی فقط به فاعل نیاز دارند، و با حرف «ی» متعدی می‌شوند، یعنی علاوه بر فاعل، به مفعول هم نیاز پیدا می‌کنند. شناختن این افعال و دانستن معنی جدید آن‌ها برای پاسخ به برخی از سؤالات ضروری است. معروف‌ترین این فعل‌ها در جدول زیر آمده‌اند. آن‌ها را به‌خاطر بسپارید:

جدول شماره ۹ - فعل‌هایی که با حرف «ی» معنای دیگری پیدا می‌کنند.					
فعل اصلی	معنی	مثال	فعل همراه حرف «ی»	معنی	مثال
جاء	آمد	جاء علی (علی آمد).	جاء ی	آورد.	جاء علی بالكتاب (علی کتاب را آورد).
أتی	آمد	أتی علی (علی آمد).	أتی ی	آورد.	أتی علی بالكتاب (علی کتاب را آورد).
قام	برخواست	قام علی (علی برخاست).	قام ی	اقدام کرد به ...	قام علی بتوزيع الهدايا (علی به توزیع کردن هدیه‌ها اقدام کرد).
ذهب	رفت	ذهب علی (علی رفت).	ذهب ی	برد.	ذهب علی بالكتاب (علی کتاب را برد).
سار	حرکت کرد	سار علی (علی حرکت کرد)	سار ی	حرکت داد.	سار علی ینده (علی دستش را حرکت داد).

مشاوره

در عربی هم مانند فارسی و انگلیسی، بعضی از فعل‌ها حرف اضافه اختصاصی دارند. این حرف اضافه را باید همراه با فعل یا بگیرید. به همین دلیل بهتر است وقتی فعلی را در جمله ای می‌بینید دقت کنید که آیا حرف اضافه آن فعل هم در جمله هست یا نه؛ اگر بود، آن حرف را هم همراه با فعل حفظ کنید.

باسخ سوالات را در این کادر بنویسید.

بخش واژگان

الف. اُكْتُبْ مَعْنَى الكَلِمَات.

۱. مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.
۲. النَّمْلَةُ تَقْدُرُ عَلَى حَمَلِ شَيْءٍ يَفوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً.
۳. الْوَرَعُ وَ الْجِلْمُ عِنْدَ الْعَصَبِ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ.
۴. لَبِثَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا.
۵. فَفِيهِ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.
۶. لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ...

ب. اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

۱. الْفَصْلُ ال فِي السَّنَةِ الْأَيْرَانِيَّةِ فَصْلُ الشَّتَاءِ.
۲. يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً وَ الْفَائِزُ ال جَائِزَةً فَضِيَّةً.

ج. اُكْتُبِ الْأَعْدَادَ بِالْفَارِسِيَّةِ.

۱. خَمْسَةَ عَشَرَ تِمثَالًا.
۲. وَاحِدَةٌ وَ عِشْرُونَ جَامِعَةً.
۳. سِتِّ عَشْرَةَ مَدِينَةً.
۴. تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ بَقْرَةً.
۵. سَبْعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً.
۶. وَاحِدَةٌ وَ سَبْعُونَ قَرْيَةً.
۷. اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ عَامًا.
۸. تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ كُرْسِيًّا.

د: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُناسِبِ. كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً.

۱. الْاِنْتِشَاطُ
 ۲. الْاِدْوَامُ
 ۳. الْحِصَّةُ
 ۴. الْهَاتِفُ
 ۵. الْاِنْتِزَاعُ
 ۶. الْمَوْاطِنُ
- إعطاء حَلِّ وَ بَيانُ طَرِيقَةِ الْاِقْيَامِ لِعَمَلٍ .
● أَلَةٌ لِتَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.
● سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمَوْطِنِينَ وَ الْعُمَالِ.
● هُوَ الَّذِي يَعْيشُ مَعَنَا فِي وَطَنِ وَاحِدٍ.
● عَمَلٌ يَتَحَرَّكُ وَ سُرْعَةً.

بخش قواعد

الف. عَيِّنِ الْعَدَدَ أَوْ الْمَعْدُودَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ.

۱. فِي الْاِصْطِفَافِ الصَّباحِيِّ وَقَفْنَا فِي صُفُوفِ.
 ۲. يَلْعَبُ أَحَدُ عَشَرَ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
 ۳. أَرْبَعَةٌ وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَظَمَةِ.
 ۴. تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي حُجْرَاتِ مَقْطُوعٍ.
 ۵. يَدُورُ اِثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ.
 ۶. وَاحِدَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ مُغْلَقَةٌ.
- عَشْرَةٌ / الْعَاشِرُ
لَاعِبِينَ / لَاعِبًا
جُنُودٍ / جُنْدِيٌّ
الرَّابِعُ / أَرْبَعٌ
فَقَمَرَانُ / أَقْمَارٌ
أَنْبِيَاءُ / أَنْبِيَابٌ

ب. صَعِّ فِي الْفَرَاغِ الصَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْفِعْلِ وَ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- | | | |
|------------------------------|---------------------------|--------------------------------|
| ۱. لَا تَكْتُمُ | ۲. عَطَّرْتَ | ۳. لَا تَتَدَمَّنُ |
| ۴. سَيَمِضِي | ۵. سَوْفَ يَقُومُ | ۶. مَا وَقَعَتْ |
| ۷. كَانُوا يَقْدِفُونَ | ۸. طَلَبْتُ | ۹. لَا تَطْرُدُوا |
| ۱۰. مَا وَضَعُوا | ۱۱. لَا يَصْرُخُونَ | ۱۲. كَانَتَا تَنْصَحَانِ |
| ۱۳. اِكْشِفُوا | ۱۴. مَا عَلَّمْنَا | ۱۵. تَطَبَّعِينَ |
| ۱۶. لَا اُنْسَى | ۱۷. سَتَنْزِلُونَ | ۱۸. وَصَلْتِي |

پاسخ سوالات را در این کادر بنویسید.

بخش ترجمه

الف. تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

۱. الظُّلْمُ الَّذِي يَعْفِرُهُ اللَّهُ، فَظَلَمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ.
۲. اِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اِثْنَيْنِ.
۳. اُرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ: الْقَمْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ.
۴. مَنْ اِلَهٌ غَيْرُ اِلَهٍ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ.
۵. وَ جَاءَ اِخْوَهُ يَوْسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ.
۶. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ اُمْتَالِهَا.
۷. ثَمَانُونَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ.
۸. سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ.
۹. يَجْرِي اَجْرٌ مَنْ اَجْرِي نَهْرًا بَعْدَ مَوْتِهِ.
۱۰. هَلْ يَعْفِرُ اللَّهُ الشَّرْكَ؟
۱۱. مَا اَجْمَلَ غَابَاتِ مازندران وَ طَبِيعَتِهَا!
۱۲. اِنَّ هَذَا اَخِي لَهُ نِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعَجَةً وَ لِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ.
۱۳. اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَيَّ اِثْنَيْنِ لَا يُسَاوِي وَاحِدًا وَ خَمْسِينَ.
۱۴. جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا.
۱۵. فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ.
۱۶. تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

ب. اِنْتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۱. کُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا.
۲. همه را می خورید / همه با هم بخورید) و (پراکنده نمی شوید / پراکنده نشوید).
۳. قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا.
۴. پدر بزرگ / پدر بزرگم) (برای توزیع هدیه ها برخاست / به توزیع هدیه ها پرداخت).
۵. اَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
۶. برای بار (سوم / دوم) آمده ام.
۷. رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي.
۸. پروردگارا من (بر خود / به تو) ستم کردم، مرا ببامرز.
۹. وَ اَعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي اَنْفُسِكُمْ.
۱۰. و (بدانید / می دانید) که خداوند (آنچه در دل های تان است را می داند / می داند چه چیزی در دل هاست).
۱۱. الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ.
۱۲. (عبادت / خویشتنداری) در تنهایی از نشانه های مؤمن است.
۱۳. وَ يَقُولُونَ سَبْعَةً وَ ثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ.
۱۴. و می گویند (هفت / هفتم) نفر بودند و (هشت / هشتم) آن ها سگ شان بود.
۱۵. سَنَةٌ فِي اَحَدٍ عَشْرٍ يُسَاوِي سَنَةً وَ سِتِّينَ.
۱۶. شش (ضرب در / تقسیم بر) یازده (مساوی است / مساوی نیست) با شصت و شش.
۱۷. سَبْعَةٌ اَبْوَابٌ.
۱۸. هفت (در / درها

ج. كَمِّلِ الْقَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۱. رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي.
پروردگارا را برایم بگشای و کارم را آسان گردان و گره از
بگشا [تا] سختم را بفهمند.

پاسخ سوالات را در این کادر بنویسید.

۲. وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.

و بگو پروردگارا ببخشای و و تو مهربانانی.

۳. وَ مَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

و به ما بلکه به خودشان

۴. رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَّتْ أَفْئَامَنَا وَ انْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن و ما را بر گروه بی ایمانان
.....

د. أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ بِالْعَلَامَاتِ الرِّيَاضِيَّةِ.

۱. مِثْلَهُ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

۲. عَشْرَةٌ فِي أَرْبَعَةٍ لَا يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.

۳. خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ نَاقِصٌ عَشْرَةٍ يُسَاوِي تِسْعِينَ.

هـ. تَرْجِمِ السَّاعَاتِ.

۱. الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً
۲. الثَّامِنَةَ وَ الرَّبْعَ
۳. الثَّلَاثَةَ وَ النِّصْفَ
۴. الرَّابِعَةَ وَ أَحَدَ عَشَرَ دَقِيقَةً

بخش درک مطلب

الف: عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْأَحَادِيثِ.

- إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.
— جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِثْلَهُ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا.
— الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكَ. قَالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾
— الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

الأسئلة:

۱. أُنزِلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ فِي الْمِثَّةِ مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.
.....
۲. إِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.
.....
۳. يَغْفِرُ اللَّهُ الشَّرْكَ لِأَنَّهُ ظُلْمٌ صَغِيرٌ.
.....
۴. طَلَبُ الْحَلَالِ أَعْظَمُ جُزْءٍ مِنَ الْعِبَادَةِ.
.....

ب. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ الْمَعْنَى.

۱. الْيَوْمُ الْخَامِسُ مِنْ أَيَّامِ الْإِسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.
.....
۲. الْفَصْلُ الثَّلَاثُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.
.....
۳. يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً فَضِيَّةً وَ الْفَائِزُ الثَّانِي جَائِزَةً دَهَبِيَّةً.
.....

سوالات تستی

بخش ترجمه

عَيْنِ الْأَصْحَ وِ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ (رقم ۱ - ۳):

۱. «هذا إفتراخ حسن لأننا مستولون عن هذه البقاع الجميلة.»

- ۱ این پیشنهاد خوبی است زیرا ما در مورد این مکان‌های زیبا مسئول هستیم.
۲ این پیشنهاد خوب است زیرا ما مسئول این مکان‌های زیبا هستیم.
۳ این پیشنهاد خوبی است و ما درباره‌ی این مکان زیبا مسئول هستیم.
۴ این پیشنهاد خوب است برای اینکه ما در مورد مکان‌های زیبا مسئولیم.

۲. «هل تعلم أن خمسين في المئة من زملائى ما كانوا يذهبون إلى المكتبة؟»

- ۱ آیا می‌دانی که پنجاه درصد هم‌کلاسی‌های من به کتابخانه نمی‌رفتند؟
۲ آیا می‌دانی که پنجاه درصد هم‌شاگردی‌های من به کتابخانه نرفته بودند؟
۳ آیا تو می‌دانی که پنجاه نفر از هم‌شاگردی‌هایم به کتابخانه‌ها نرفته بودند؟
۴ آیا می‌دانی که پنجاه الی صد نفر از شاگردانم به کتابخانه نرفته‌اند؟

۳. «شكرتني مديرتنا وطلبت مني أن أغلق حنفية الماء.»

- ۱ مدیر ما از من تشکر کرد و او از من می‌خواهد که شیر آب را ببندم.
۲ من از مدیرمان تشکر کردم و خواستم که شیر آب را ببندم.
۳ مدیر از من تشکر کرد و می‌خواست که شیر آب را ببندم.
۴ مدیرمان از من تشکر کرد و از من خواست که شیر آب را ببندم.

۴. عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي تَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي.

- ۱ العالمُ يلاعمل كالشجر بلاثمر .
۲ أطلبوا العلمَ و لو بالصين .
۳ ليم تقولون ما لا تفعلون .
۴ لا خير في قول إلا مع الفعل .

بخش قواعد

۵. عَيْنِ الْخَطَأ: (سراسری تجربی ۹۱)

- ۱ هناك ثلاثة كتب لم أقرأها حتى الان.
۲ طالعتُ المقالةَ الثامنةَ لهذا العالم.
۳ حضرتِ الطالبةُ الرابعةُ أيضاً في الصف.
۴ خرج أحد عشر تلميذاً من المدرسة.

۶. أئ عباره ليس فيها عددٌ من العقود؟

- ۱ عمرى خمسون عاماً، كم عمرک؟
۲ تسعون ناقص عَشْرَة يساوى ثمانين.
۳ أنا لا أذهبُ الى المدرسة يوم الخميس.
۴ الغرابُ يعيش ثلاثين سنةً أو أكثر.

۷. عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱ عَشْرَة في أربعة يساوى أربعة عشر.
۲ منه تقسيم على خمسة يساوى اثنين.
۳ ثمانون ناقص عَشْرَة يساوى تسعين.
۴ خمسة و خمسون زائد خمسة و ثلاثين يساوى تسعين.

۸. عَيْنِ الْجُمْلَةِ الَّتِي مَا جَاءَتْ فِيهَا الْأِسْمُ الْمُتَضَادُّ.

- ۱ مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ.
- ۲ أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْحُ وَالْعِدَاوَةُ وَالنَّارُ.
- ۳ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا.
- ۴ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

۹. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفْرَدِ.

- ۱ أمتار: متر / عمال: عامل
- ۲ بضائع: بضعة / يتابع: يتابع
- ۳ سماع: سماع / برازيل: برازيل
- ۴ آلاف: ألف / مضياف: ضيف

بخش درک مطلب

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ: (رقم ۱۰ - ۱۲):.....(سراسری، ریاضی ۹۳، با تغییر)

«الْفَيْلُ حَيَوَانٌ عَظِيمٌ يَعِيشُ عَلَى أَكْلِ النَّبَاتَاتِ. الْفَيْلُ يَقْضِي سِتَّ عَشْرَةَ سَاعَةً فِي الْبَحْثِ عَنِ غَدَائِهِ وَ لَا يَنَامُ إِلَّا ثَلَاثَ أَوْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ. وَزَنُّهُ يَصِلُ إِلَى سِتَّةِ أَطْنَانٍ وَ يَعْمرُ حَتَّى سَبْعُونَ عَامًا.»

۱۰. عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱ الْفَيْلُ يَقْضِي ۱۶ سَاعَةً فِي الْبَحْثِ عَنِ غَدَائِهِ.
- ۲ الْفَيْلُ يَقْضِي أَكْثَرَ مِنْ عَشْرُونَ سَاعَةً فِي الْبَحْثِ عَنِ غَدَائِهِ.
- ۳ الْفَيْلُ يَقْضِي أَقَلَّ مِنْ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَاعَةً فِي الْبَحْثِ عَنِ غَدَائِهِ.
- ۴ الْفَيْلُ يَقْضِي سَاعَاتٍ فِي الْبَحْثِ عَنِ غَدَائِهِ.

۱۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ الْفَيْلُ يَنَامُ أَقَلَّ مِنْ رُبْعِ الْيَوْمِ.
- ۲ وَزْنُ الْفَيْلِ يَصِلُ إِلَى ۴ أَطْنَانٍ.
- ۳ يَعْمرُ حَتَّى ۱۷ عَامًا.
- ۴ وَزْنُ الْفَيْلِ زَائِدٌ عَدَدِ عُمُرِهِ يَفُوقُ مِئَةً.

۱۲. يُشَابَهُ الْفَيْلُ الْإِنْسَانَ فِي:

- ۱ مقدارِ نومه
- ۲ وزنه
- ۳ عمره
- ۴ ساعاتِ الْبَحْثِ عَنِ طَعَامِهِ

مشاوره

«کلمه کلیدی» کلمه ای است جمله درباره آن حرف می زند.
تشخیص دادن این کلمه ها بخش مهمی از درک مطلب است.
وقتی کلمه کلیدی را تشخیص دادید، حتماً باید دقت کنید جمله ای که آن کلمه در آن قرار دارد مثبت است یا منفی.
خیلی وقتها جمله در متن مثبت است و در گزینه ها منفی یا برعکس.
دقت به مثبت و منفی بودن جمله معمولاً برای پاسخ به سوال های درک مطلب مفید است.

آزمون درس ۲	
واژه‌شناسی	
۰/۵	۱. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: كانت حُجْرَاتُ المدرسةِ مُعْلَقَةً.....
۰/۵	۲. إجعل علامةً مناسبةً (= ، ≠) الف. أمام خَلْفَ ب. القرية الرَّيفِ
۰/۵	۳. أكتب المفرد و الجمع لهذه الكلمتين: الف. المفرد لكلمة «مصباح»: ب. الجمع لكلمة «عمود»:
۰/۵	۴. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: الف. سِتٌّ، السَّابِعِ، واحد وعشرون، ثلاثة عشر ب. المُكَيِّفَاتِ، الهواتف العامة، المستشفيات، المتأف
مهارت ترجمه به فارسی	
۵	۵. تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ : (۱) هذا الإقتراحُ حسنٌ و سنتعاونُ على العملِ بِحَدِيثِ لِلإمامِ عليٍّ (ع). (۲) ظننتُ أنَّ طالباتِ صفِّ آخرٍ في حصَّةِ تقويةٍ أو يُمارسن نشاطاً حُرّاً. (۳) ذهبتُ للمرةِ الثانيةِ إلى زيارةِ الإمامِ الرضا (ع) ثامن أئمتنا. (۴) و لقد أرسلنا نوحاً إلى قومه فلبثَ فيهم ألف سنةٍ إلا خمسينَ عاماً. (۵) قالتِ المدرِّسةُ: سميتُ أطفأتِ المصباحِ و فاطمةُ أغلقتِ حنفيَّةَ الماءِ.
۰/۵	۶. أكمل الترجمة. الف. شكَّرَ المديرُ في إصطفافِ الصُّباحي جميعِ الطُّلابِ . مدير در از همه دانش آموزان تشکر کرد. ب. قامتِ الأمُّ . مادر
مفهوم	
۰/۵	۷. عَيِّنِ الصَّحِيحَ حَسَبَ الْوَاقِعِ: الف. ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات. ب. الحفاظُ على المرافق واجبٌ على بعض المواطنين.
مهارت شناخت و کاربرد قواعد	
۱	الف. أكتب العمليات الحسابية. ۱. ستَّة و خمسون زائدُ أربعة و أربعين يُساوي مئةً. ۲. عشرة في ثمانية يُساوي ثمانين. ب. أكتب عدداً ترتيبياً مناسباً. ۱. اليوم من أيام الأسبوع يومُ الخميس. ۲. يأخذُ الفائزُ جائزةً فضيَّةً.
۰/۵	۹. أكتب الساعة بالأرقام : الحادية عشرة إلا عشر دقائق: السابعة و عشرون دقيقةً:
۰/۵	۱۰. أجب عن الأسئلة : الف. كم عمرك؟ ب. من أي مدينة أنت؟